



ویژه نامه محرم شماره چهارم

مجلس چهارم: طفلان حضرت زینب (س)



قربانیان خواهر خود را قبول کن گیرم که نیست اکبر تو، طفل ما که هست



این روز در حقیقت روز زینب است... گرچه به نام طفلان او نامیده شود..

... زینب فریاد زد بر سر او که اسمش مهم نیست. گفت نمی بینی چه دارند می کنند سربازان را با پسر پیامبر خدا؟! او - که اسمش مهم نیست - روی اش را کرد آن طرف. داشت گریه می کرد. رو که برگرداند، صورتش خیس بود. فریاد بر آورد - نمی دانم از سر استیصال بود یا از سر خشم - که: منتظر چه ایستاده اید؟! تمام کنید کار حسین را ...

او که گریه می کرد و اسمش اصلاً مهم نیست، می تواند هر کدام از ما باشد؛ من، تو یا او که آن طرف تر نشسته و آرام دارد گریه می کند. حالا واقعی تر شد داستان، نه؟! ...



روایت هایی از ده مرد در کربلا

مردی که اسم خوبی داشت

سر اسب را که کج کرده بود و بی صدا از فاصله دو سپاه گذشته بود، فکر کرده بود خیلی خوب اگر پیش برود می بخشدش و می گذارند با بقیه هفتاد و دونفر بچنگد... وقتی هم گفتند: «خوش آمدی ا پیاده شو، بیاز دیک.» نتوانست. یاد این افتاد که آب را خودش سه روز پیش رویشان بسته. گفت: «سواره می مانم تا کشته شوم». می خواست چشم تو چشم نشوند

اصلاً حساب این را نکرده بود که بیایند سرش را بگیرند روی زانو. خونهای پیشانی اش را با انگشت پاک کنند. باز دلشان راضی نشود. دستمال خودشان را ببندند دور سرش. در خواب هم نمی دید بهش بگویند: «آزاد مرد، مادرت چه اسم خوبی رویت گذاشت»

حربن یزید ریاحی



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ترانستان

روابط عمومی معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه

ده نکته از هزاران!!

۱- عزت و سربلندی مسلمان در سایه جهاد و شهادت و مبارزه در راه حق و عدالت است. مرگ شرافت مردانه در این راه حیات ابدی است و زندگی با خاری و خفت تن دادن به زبونی و ذلت مرگ تدریجی است.

۲- تکلیف یک مسلمان متعهد دفاع از ارزشهای دینی، دعوت به پاکی و نیکی، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح جامعه و مبارزه با مفاسد و منکرات و انحرافات است و اگر این فریضه ترک شود، بدان مسلط میشوند و سقوط جامعه حتمی است. قیام کربلا برای عمل به همین تکلیف بود.

۳- شهادت طلبی سلاحی است که هر امتی به آن مسلط شود، شکست ناپذیر می گردد. خون پر شمشیر پیروز است و شهیدان راه خدا زندگان همیشه تاریخ و سرمایه های الهام بخش جوامعند. پس برای عزت یک جامعه باید فرهنگ شهادت طلبی را ترویج کرد.

۴- فلسفه قیام کربلا احیاء دین و ترویج نماز و گسترش معنویات و مبارزه با منکرات است. پیروان ابا عبدالله علیه السلام با ایمان و عمل و تقوی و جهاد خویش، نشان میدهند که این فلسفه را شناخته و آن را پذیرفته اند و در راه آن تلاش میکنند.

۵- برای یک مسلمان بالاتر از هر چیز عمل به وظیفه و انجام تکلیف است، هر چه باشد و هر جا باشد، چه با شهادت، چه با ماندن، چه با رفتن، چه با فریاد، چه با سکوت، قیام برای خدا شکست ندارد و هر که به وظیفه عمل کند پیروز است، هر چند در ظاهر شکست بخورد.

۶- مدعیان مسلمانی بسیارند. اما در صحنه امتحان است که مومنان صادق و مدعیان دروغین و منافق شناخته میشوند. آنانکه در جبهه نبرد حق و باطل به هر بهانه ای امام حق را یاری نکنند و خود را کنار بکشند و به گوشه ی راحت و عاقبت بزنند، مردود شدگان این امتحانند، هر چند سابقه در خشان ایمانی و انقلابی داشته باشند.

۷- اگر چهره های شاخص و افراد نافذ و مورد توجه جامعه «خواص امت» در لحظه های حساس به وظیفه خود عمل نکنند جامعه را به ذلت و حیرت میکشاند. «رسالت خواص»، بسی سنگین است و تکلیف آگاهان، بسی خطیر و حساس!

۸- شیعیان حسین (ع) و پیروان فرهنگ عاشورا، هرگز با دشمنان اسلام و مسلمین سازش نمی کنند و عزت و سربلندی خود را به زندگی حقیرانه و بردگی ستمکاران و جباران نمی فروشند. جان می دهند، ولی دین و ایمان و شرافت را از دست نمی دهند.

۹- عزاداری برای امام حسین (ع) و شهدای کربلا و اهل بیت مظلوم، نشانه همدلی و همراهی و همگامی با حماسه آفرینان عاشورا است. زنده نگه داشتن عاشورا، رمز بقای این حماسه جاوید است و سلاح اشک، فریاد مظلومیت بر ضد ظالمان است.

۱۰- آنان که به حکومت ظالمان و فاسدان تن بدهند و در برابر فساد و ظلم و بدعت و تعریف، سکوت و سازش کنند و جان خود را بیش از دین و عزت و شرف، دوست بدارند، ذلت دنیوی و عذاب اخروی و خشم خدا و نفرین خلق خدا را برای خود می خرند. شعار عاشوران «هیئات من الذله» است و مدالشان عزت و آزادی

امام صادق (ع) می فرمایند:
نزد هر کس که از ما (و مظلومیت ما) یاد شود و چشمانش پر از اشک گردد، خداوند
چهره اش را بر آتش دوزخ حرام می کند»

مسابقه پیامکی محرم (۱۴)

۷۲۱۹۱... ۳ شماره پیامک

نخستین شخصیتی که در سوگ آل عبا علیه السلام جامه سیاه پوشیده است؛ کدام شخصیت می باشد؟

— امام علی علیه السلام

— امام سجاد علیه السلام

عزاداران، همانند مؤمنان دارای درجات و مراتب مختلفی هستند که هر مرتبه، درجه و جایگاه عزادار را در نظام انسانیت و در نزد خداوند و نیز میزان قرب او را به سیدالشهدا (ع) نشان می دهد. البته تمامی درجات عزاداری دارای اجر و ثواب الهی است و هر مرتبه خیر و ثوابی را نصیب عزادار می کند. در سه شب می خواهیم به این مبحث مهم بپردازیم با ما باشید به صرف جرعه ای معرفت....

مرتبۀ اول عزاداری

در این مرتبه عزادار فقط در قلب خود از مصیبت وارده بر سیدالشهدا (ع) غمگین و ناراضی است؛ بدون اینکه غم و ناراضیاتی خود را معمولاً بروز دهد. این مرتبه کمترین درجه عزاداری است؛ و پایین تر از آن، مرتبه دشمنان حضرت است یعنی مرتبه ای که شخص به مصیبت های حسینی آگاه شود و ناراحت نگردد و به آن راضی باشد. درباره این گروه در زیارت وارث چنین می خوانیم:
لَعْنُ اللَّهِ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ لَعْنُ اللَّهِ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ
خداوند لعنت کند امتی را که تو را کشتند و به تو ظلم کردند؛ و خداوند لعنت کند امتی را که خبر چنین جنایتی را شنیدند و به آن راضی شدند
(مفاتیح الجنان)

کسانی که در مرتبه اول عزاداری هستند، از هر دین و آیینی که باشند به خاطر اندوه قلبی شان برای مصیبت امام حسین (ع) در نزد خداوند از ثواب و پاداشی به تناسب عقیده شان برخوردار می شوند.

عظمت مقام اهل بیت (علیهم السلام) به قدری است که کوچکترین کاری که برای آنها صورت گیرد، با پاداش های بزرگی از ناحیه آنها جبران خواهد شد. حال اگر یک کافر هم خدمتی به آنها کند یا ادبی را نسبت به آنها رعایت نماید، چون شخص کافر در آخرت اهل نجات نیست، پاداش او را در دنیا به او می دهند و اگر شخص کوچکترین سنجیت و آمادگی را داشته باشد، چه بسا پاداش اهل بیت (علیهم السلام) موجب هدایت او نیز می شود.

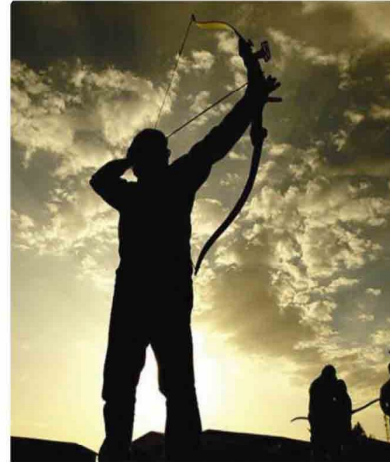
مرتبۀ دوم عزاداری

در این مرتبه عزادار غم و ناراضیاتی خود را به شکل های گوناگون از قبیل گرفتگی چهره، گرفتن بغض و گریه (تباکی)، گریه کردن، پوشیدن لباس عزا، به سینه و سر زدن و ... بروز می دهد و در این کار گاهی تنها و گاهی به همراه دیگران عزاداری می کند.

عزادار در این مرتبه نوعی انس و الفت و نیز نوعی کشش و نیاز به آن حضرت پیدا می کند و همین یافت درونی و نیز انس غریب، او را وادار می کند که برای آن حضرت گریه کند و در عزاداری ایشان شرکت کند.

گرایش عزاداران کلیمی، مسیحی و پیروان سایر مذاهب - که برای امام حسین (ع) گریه می کنند - همچنین احساسی که نسبت به آن حضرت دارند، نشان دهنده این حقیقت است که حضرت برای آنها یک "غریب آشنا" است. معمولاً نفوذ این "غریب آشنا" به درون قلب عزادار و ایجاد محبت و شدت گرفتن آن، رفته رفته او را به سوی مرتبه سوم عزاداری می کشاند.

ادامه دارد.....



کمان

دنیا مثل کمان کج است، و این یعنی که ما باید مثل تیر راست باشیم، و اگر راستی پیشه کنیم، همین کج رفتاری های دنیا می توانند ما را اوج داده و پرواز دهند و به هدف بنشانند. این بود که سیدالشهدا روز عاشورا می فرمود:

صبراً علی بلائک،

خدایا! من بر این بلاها - کج رفتاری های مردم زمانه - صبوری و شکیبایی می کنم، چون می دانم آخرش پرواز و اوج گرفتن است.

و این یک فرمول و درس است برای همه ما که هر چه دنیا کج رفتاری بیشتری با ما داشته باشد، اگر ما صداقت و راستی پیشه کنیم راحت تر و سریع تر به هدف خواهیم رسید.

چک

بعضی چک ها دو امضا دارند و تا امضای دوم پای چک نباشد، چک پاس نمی شود. اتفاقاتی که قرار است توی دنیا بیفتد مثل چکی است که دو امضا داشته باشد، هم باید ما بخوایم و هم خدا، و تا او نخواهد، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد.

این بود که شب و روز عاشورا، حضرت بر خدا تکیه و تأکید می کرد و با گفتن این جمله انرژی می گرفت.

ما شاء الله

یعنی هر چه خدا خواست همان می شود.

و البته هر چه خدا بخواهد شیرین است.

آنچه آن خسرو کند شیرین بود

وراستی اگر همین حقیقت در زندگی ما وارد شود، چه آرامشی به ما دست می دهد. یعنی انسان باور کند که هیچ اتفاقی در زندگی ما نمی افتد و هیچ کس نمی تواند به ما آسیبی برساند، مگر آنکه خدا بخواهد.

و البته اگر خدا بخواهد، مایه سود و سعادت است.